

چرا انصراف؟

یادداشت محمد توسلی به سردبیر مجله شهروند امروز

۱۳۸۷/۴/۱۶

با سلام و احترام، در شماره ۵۱ مجله شهروند امروز (۲ تیرماه ۱۳۸۷) در پرونده‌ای با عنوان "بهشتی دیگر" به دفعات به نام اینجانب اشاره شده است. لازم می‌دانم، ضمن تشکر و قدردانی از اینگونه اقدامات آگاهی‌بخش که سوابق تاریخی چند دهه اخیر کشور را در حد امکان با شفافیت در اختیار نسل جدید قرار داده می‌شود، نکاتی را به شرح زیر برای رفع ابهامات و تدقیق بیشتر سوابق تاریخی ارائه کنم.

۱- آشنایی و ارتباط بنده با مرحوم دکتر بهشتی از سال ۱۳۴۰ که بمناسبت مراسم چهارم درگذشت آیت‌الله بروجردی همراه با اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران به قم رفتم و در مدرسه دین و دانش ایشان میزبان ما بودند آغاز شد و در خارج از کشور در آلمان در عرصه همکاری‌های فرهنگی - اجتماعی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و در عرصه سیاسی خارج از کشور ادامه داشت. در سالهای قبل از انقلاب، دوران انقلاب و مسئولیت پس از انقلاب در طول سالهای ۵۸ و ۵۹ با آن مرحوم ارتباط نزدیکی داشتم. به نظر من هنوز در مورد شخصیت و دیدگاه‌های آن مرحوم به ویژه در سالهای قبل از انقلاب مطالب ناگفته زیادی وجود دارد که اگر در شرایط مناسب بازگو شوند همانگونه که شما هم به درستی عنوان کرده‌اید "بهشتی دیگر" در افکار عمومی جامعه مطرح می‌شود و هزینه‌های فقدان آن مرحوم در شرایط بعد از تیرماه سال ۱۳۶۰ مکشوف خواهد شد.

۲- اظهار نظر "بهشتی مترقی‌تر از بازرگان است" که در نوشته نویسنده محترم "یک بازرگان و دو بهشتی - راهی که بهشتی رفت و راهی که بازرگان نرفت" با استفاده از کتاب مهندس لطف‌الله میثمی به اینجانب نسبت داده شده است مربوط به جلسات انجمن اسلامی مهندسين است که در هنرستان کارآموز نارمک برگزار می‌شد. من چنین اظهارنظری را به خاطر ندارم اما با اعتمادی که به حافظه خوب دوست و برادر دیرین مهندس میثمی دارم بایستی این اظهار نظر مربوط به موضوع خاص آن جلسه در سالهای قبل از انقلاب باشد.

۳- آقای مهندس میرحسین موسوی در مورد همکاری‌های جمعی سالهای ۵۷-۵۴ در گفتگوی خود به اختصار گفته‌اند: "جمعی بود با حضور افراد گوناگون از جمله که من هم در آن شرکت می‌کردم. آن جمع اطلاعیه‌هایی را هم با عنوان دانشجویان مسلمان منتشر می‌کرد که یک روز آقای پیمان با عنوان جنبش مسلمانان مبارز اطلاعیه‌ای صادر کرد و میان ایشان و برخی بچه‌های نهضتی، درگیری هم ایجاد شد....". در این اظهارات آقای مهندس موسوی با ادغام دو فعالیت جمعی متفاوت ابهاماتی به وجود آمده است که جا دارد بر طرف شود.

فعالیت اول مربوط به انتشار ۵ نشریه تحلیلی در طول سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ با امضاهاى مستعار "مسلمانان آگاه"، "دانشجویان دانشگاه"، "دانشجویان مسلمان" و "مسلمانان متعهد" است که بصورت کاملاً مخفی تهیه و توزیع می‌شد. در این جمع آقایان عبدالعلی بازرگان، میرحسین موسوی و اینجانب حضور داشتیم. این اقدام پس از انتشار بیانیه تغییر مواضع

ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق اولیه در سال ۱۳۵۴، برای خنثی کردن ضربه سنگین که به روحیه فعالان سیاسی مسلمان وارد شده بود، صورت گرفت.

فعالیت دوم مربوط به انتشار ۱۲ نشریه تحلیلی است که با امضای "جنبش مسلمانان ایران" از شهریور ۱۳۵۶ تا آبان ۱۳۵۷ تهیه و منتشر شده است. این جمع که توسعه یافته جمع قبلی است و بصورت مخفی فعالیت می‌کرد و علاوه بر سه نفر یاد شده چند نفر دیگر شامل آقایان هاشم صباغیان، فریدون سحابی، سید مهد جعفری و حبیب اله پیمان در این جمع حضور داشتند.

در تیرماه ۱۳۵۷ تحلیل‌های مشابهی با عنوان "جنبش مسلمانان مبارز ایران" منتشر شد و سپس "جنبش مسلمانان مبارز" مستقل از جمع فوق توسط آقای دکتر پیمان پایه‌گذاری گردید.

علاقمندان می‌توانند برای مطالعه متن کامل بیانیه‌های فوق و رخدادهای این دوره به اسناد نهضت آزادی ایران جلد ۹ - دفتر اول و یا به آرشیو سایت نهضت آزادی ایران مراجعه کنند.

۴- در تکمیل توضیحات آقای مهندس موسوی درخصوص دیدار مشترک با مرحوم دکتر بهشتی و بررسی پیش‌نویس اساسنامه و مرامنامه حزب اسلامی جدید که بعد از پیروزی انقلاب با عنوان "حزب جمهوری اسلامی" اعلام شد، شایان ذکر است که ما در آن زمان با اصل فکر شکل‌گیری یک حزب فراگیر با مبانی اسلامی موافق بودیم و به همین علت در سال ۵۶ که هنوز نهضت آزادی ایران تجدید سازمان نشده بود موضوع را با بررسی و اظهارنظر روی اساسنامه و مرامنامه مذکور دنبال می‌کردیم و نظرات و پیشنهادات اصلاحی خود را ارائه می‌دادیم که عموماً روی آنها توافق وجود داشت. شاید تنها نکته‌ای که موجب شد ما از ادامه مذاکره منصرف شویم پیش‌بینی حق ویژه برای شورای روحانیت حزب بود که اختیار تأیید همه مصوبات حزبی را داشت. ما چنین اختیاری را کاملاً غیردموکراتیک و مغایر با همکاری‌های حزبی ارزیابی می‌کردیم زیرا در عمل الگوی همکاری مرحوم آیت‌اله طالقانی با نهضت آزادی را در پیش روی خویش داشتیم که نه تنها طالقانی بلکه پایه‌گذاران نهضت چون مهندس بازرگان و دکتر سحابی نیز در شورای مرکزی مانند بقیه اعضای آن فقط یک رأی ساده داشتند و ایشان حتی در مواردی که شورا یا دفتر سیاسی خلاف پیشنهاد و نظر آنان موردی را تصویب می‌کرد نه تنها مخالفت نمی‌کردند بلکه خود آن مصوبات را با طیب خاطر اجرا می‌کردند و از این طریق عملاً فرهنگ دموکراسی را در همکاری‌های جمعی نهادینه می‌کردند، البته همانگونه آقای مهندس میر حسین موسوی توضیح داده‌اند از جمع ما فقط ایشان همکاری با حزب جمهوری اسلامی را پذیرا شدند.